

افغانستان آزاد – آزاد افغانستان

AA-AA

چو کشور نپاشد تن من مباد بدین بوم و بر زنده یک تن مباد
همه سر به سر تن به کشتن دهیم از آن به که کشور به دشمن دهیم

www.afgazad.com

afgazad@gmail.com

Political

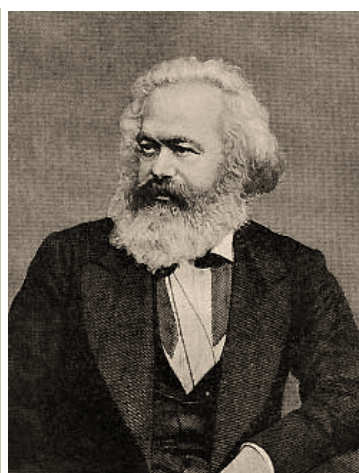
سیاسی

نویسندگان: مارکس-انگلس
برگردان از: حمید محوی
ویراستار پورتال: موسوی
۰۸ جنوری ۲۰۱۹

پرولتاریای جهان متحد شوید!



فردریش انگل



کارل مارکس

گزیده نوشته ها درباره استعمار

۲

۱- یادداشت ناشران انتشارات پروگرس، مسکو ۱۹۷۷

مجموعه حاضر بخشی از آثار کارل مارکس و فردریش انگلس است که به بررسی مسائل مختلف تاریخ استعمار اختصاص دارد. در این مقالات با دقت علمی و تحلیل مارکسیستی به دلایل اقتصادی که انگیزه دولت های سرمایه داری برای تشکیل مستعمرات بوده پرداخته شده است. مارکس و انگلس در این نوشته ها پیوندهای ناگزیر استعمار و نظام سرمایه داری را بروشنی بررسی کرده اند و در افشای استثمار اسفناک اهالی مستعمرات توسط انگلستان، فرانسه و دیگر دولت های سرمایه داری کوشیده اند. مقالاتی که در اینجا گرد آوری شده، بُرد عظیم تاریخ جنبش های رهاییبخش ملت های تحت ستم را به شکل بارزی نشان داده و چشم انداز سیر تحولی شان را ترسیم کرده است. نخستین بخش این مجموعه شامل عمده مقالاتی است که غالباً در سالهای ۵۰ در قرن نوزدهم به رشته تحریر درآمده و مصادف است با آغاز جنبش های گسترده و توانای توده های مردم آسیا علیه استعمارگران.

سال ۱۸۵۳ مارکس شماری از مقالاتش را درباره هند در نیویورک دیلی تریبون، روزنامه ترقی خواه امریکائی به چاپ رساند و به این ترتیب نقاب از چهره ریاکارانه و بربریتی برداشت که جزء لاینفک تمدن بورژوائی بود. مارکس در بررسی مراحل مختلف سیاست بریتانیا در هند، نشان می دهد که چگونه در راستای منافع خود خواهانه طبقات حاکم انگلستان ساخت و سامان یافته بوده است. مقالات «استیلای بریتانیا در هند»، «دولت هند» و چند مقاله دیگر، چشم انداز هولناک ظلم و ستم و فقری را ترسیم می کند که استعمارگران بر مردم هند تحمیل کرده بودند. مارکس می گوید، بی هیچ تردیدی عمق جراحی که انگلیس ها به هند وارد آوردند، هندوستان هرگز در تمام طول تاریخ به خود ندیده بود. در این نوشته ها مارکس و انگلس سیاست استعماری فرانسه و غیر انسانی بودن استعمارگران فرانسوی و بی رحمی و سفاکی شان را در سرزمین های اشغالی افشاء می کنند.

در سال ۱۸۵۷ انگلس در مقاله ای زیر عنوان «الجزایر» می نویسد: «از نخستین روزی که فرانسه الجزایر را اشغال کرد تا کنون این کشور بینوا به صحنه دائمی خون ریزی، چپاول و خشونت تبدیل شد. فتح هر یک از شهرها، بزرگ و کوچک به بهای قربانی کردن بسیاری به وقوع پیوست.

قبایل عرب و کبیل که به اصل استقلال و آزادی شان دلبستگی خاصی داشتند و نفرت از سلطه بیگانگان نیز یکی از اصولی است که نزد آنان از خود زندگی والایر به نظر می رسد، سرانجام در پی تهاجمات سهمگین در هم کوبیده شدند و خانه و کاشانه محصولاتشان طعمه آتش شد و بازماندگانشان یا از دم تیغ گذشتند و یا قربانی فجیع ترین و هولناک ترین خشونت ها شدند.»

زمانی که در سال ۱۸۵۷، مردم هند علیه استعمارگران بریتانیائی دست به شورش زدند، مارکس و انگلس روند مبارزات آذیخواهانه هندیان را به دقت پی گیری کردند و چندین مقاله تحلیلی از شیوه طغیان مردم هند به چاپ رساندند و دلایل آن را نیز نشان داده و خصوصیت ملی آن را در نقطه مفصلی با «نفرت عمومی علیه برتری بریتانیا نزد بزرگترین ملت های آسیائی» را ترسیم نمودند. برخی از این نوشته ها در همین مجموعه ارائه شده است.

مقالات متعددی به چین اختصاص دارد. از اولین جنگ تریاک در سالهای ۱۸۴۲-۱۸۳۹، واحدهای نظامی بریتانیا، و به همین منوال نیروهای مسلح فرانسه و ایالات متحده آمریکا چندین بار به چین حمله کردند تا پس از به زانو درآوردن این کشور آن را به مستعمرات خود ضمیمه کنند. مارکس مقالاتی تحت عناوین «جنگ بریتانیا در چین»، «جنایات انگلیس در چین»، «تجارت تریاک» و امثال اینها را به مناسبت دومین جنگ تریاک نوشته است که انگلیس ها در سال ۱۸۵۶ آغاز کردند. تجار قاچاقچی انگلیس از طریق تجارت نفرت انگیز تریاک ثروت اندوزی می کردند، و «صنعت گران طماع انگلیس» در بازار وسیع چین منافع سرشاری را به تاراج می بردند، و این بود انگیزه اصلی الیگاری سرمایه داری که به نام نامی منافعشان واحدهای نظامی بریتانیا را بین سالهای ۱۸۴۲-۱۸۳۹ و ۱۸۵۸-۱۸۵۶ و در ۱۸۶۰ به جنگ در چین فرستادند و مردم صلح جو و آرام این کشور را به قتل رساندند و دست به غارت و چپاول زدند. مارکس و انگلس در مقالاتشان چگونگی تدارک مقاومت خلق چین علیه مهاجمان بیگانه را ترسیم می کنند و نشان می دهند که این خیزش مردمی تا چه اندازه جدی بوده است. انگلس در خصوص جنگ چینی ها علیه متجاوزان انگلیس می نویسد: «این جنگ ملی بود و به هدف حفظ ملت چین بر پا شد.»

مارکس و انگلس در مقالاتشان مناسبات اجتماعی و نظام سیاسی چین را به شکل عمیقی مورد بررسی و تحلیل قرار می دهند که عبارتند از بررسی شورش تایی-پینگ ها^۱ که در سال ۱۸۵۰ آغاز شد و بروشنی برای ما توضیح می

^۱ tai- pings

دهند که این خیزش، انقلاب وسیع و گسترده دهقانان علیه فئودال ها و مهاجمان بیگانه بود. در مقاله «انقلاب در چین و در اروپا» مارکس از روابط بینابینی جنبش انقلابی اروپا و جنبش آزادیبخش خلق های آسیا حرف می زند، نظریاتی که متعاقباً لنین به مثابه اصول نظریه اتحاد طبقه کارگر در کشورهای سرمایه داری در مبارزه برای سوسیالیسم و توده های زحمتکش شرق استعماری و نیمه استعماری مورد استفاده قرار داد. منتخبی از کتاب سرمایه اثر مارکس که به مسائل و مشکلات استعمار می پردازد، در این مجموعه گنجانده شده است.

بخش آخر کتاب مرکب است از نامه ها و نوشته های پراکنده مارکس و انگلس که به شماری از مسائلی می پردازند که مربوط است به جنبش آزادیبخش ملی نزد خلق های استعمار شده و نیمه استعمار شده. تاریخ بروشنی محاسبات مارکس، انگلس و لنین را در مورد فروپاشی غیر قابل اجتناب نظام استعماری را تأیید کرده است. ما هم اکنون در عصری زندگی می کنیم که خلق های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین که قهرمانانه برای استقلال و آزادی خود مبارزه می کنند، به نتایج قابل ملاحظه ای دست پیدا کرده اند. نزدیک به یک میلیارد و نیم یعنی نزدیک به نیمی از جمعیت کره زمین زنجیرهای بردگی و استعمار را از هم گسسته اند و دولت های مستقلی را به وجود آورده اند. همانگونه که برنامه جدیدی توسط P.C.U.S در بیست و دومین کنگره به تصویب رسید : «وجود نظام جهانی سوسیالیسم و تضعیف امپریالیسم به ملت های کشورهای آزاد شده اجازه می دهد تا باز زائی ملی خود را تحقق بخشیده و عقب افتادگی چند صد ساله خود را جبران کنند و استقلال اقتصادی خود را تضمین نمایند. خلق های جهان از پیشنهاد رئیس دولت اتحاد جماهیر شوروی، خروشچف* جهت الغای کامل نظام استعماری که در سپتامبر ۱۹۶۰ به سازمان ملل متحد تسلیم شده بود، به گرمی استقبال کردند.

در وضعیت کنونی، آثار مارکس و انگلس که در اینجا گردآوری شده از اهمیت ویژه ای برخوردار است. چنین آثاری می تواند به مثابه ابزار کار تحلیلی بسیار مناسبی برای تحلیل و درک رویدادهای جهان معاصر کاربرد داشته باشد. ادامه دارد.

یادداشت:

تدوین این اثر درست در زمانی صورت گرفته که سوسیال امپریالیسم شوروی آخرین سالهای بدون بحران و یا هم با بحران های اندک را سپری نموده، در بیرون از خاک خودش تا آن زمان به مثابه بزرگترین قدرت جهانی به شمار می رفت. از این رو احتمال این که در تمام مقالات تحریفات و دست درازی های رویزیونیستی و ضد لنینیستی در لا به لای جملات و کلمات و بند های نگاشته شده "مارکس-انگلس" در آن گنجانیده شده باشد، نباید منتفی دانسته شود.

هرچند من (ویراستار پورتال- موسوی) تلاش خواهم نمود تا در حد امکان تحریفات رویزیونیستی ناشران روسی این مجموعه را افشاء نمایم، با آنهم در صورتی که در کدام قسمتی از نوشته ها، چنان انحرافات را متوجه نشوم امید است خوانندگان نهایت عزیز و گرامی پورتال، کمبود کارم را عمدی ندانسته برخاسته از عدم فهم و یا هم مصروفیت بیش از حدم تلقی نموده با انتقاد سالم و سازنده من را در جهت زودن آن کمبود یاری رسانند.

یکی از جمله دروغهایی که ناشران روسی این مجموعه می خواهند به خورد خوانندگان بدهند، سیاست ضد انقلابی و ضد مارکسیستی- لنینیستی همزیستی مسالمت آمیز "خروشچف" خاین بود که پیشنهادات آنچنانی و عملکردش نه تنها در جهت تکامل جنبش های رهاییبخش ملی در اقصا نقاط جهان مفید و مؤثر نبود، بلکه بیان موضعگیری آشکارش در تبانی با امپریالیسم امریکا علیه جنگهای انقلابی و آزادیبخش و تهدید تمام آن جنبش ها که می تواند در همکاری با امپریالیسم امریکا با یک "اشاره انگشت" آنها را نابود نماید، نه تنها عمر استعمار را در کشور های آسیا، آفریقا و

امریکای لاتین طولانی تر ساخت، بلکه بستر و زمینه ای فراهم آورد که ۳ دهه بعد از کنار گذاشتنش از قدرت، امپریالیزم امریکا و شرکاء قادر شوند با یک ضربت به عمر کشور شورا ها خاتمه بخشیده، بزرگترین دستاورد پرولتاریای روس یعنی انقلاب اکتوبر، و تکیه گاه پرولتاریای بین المللی را به تاریخ بسپارند.

ویراستار پورتال (موسوی)